

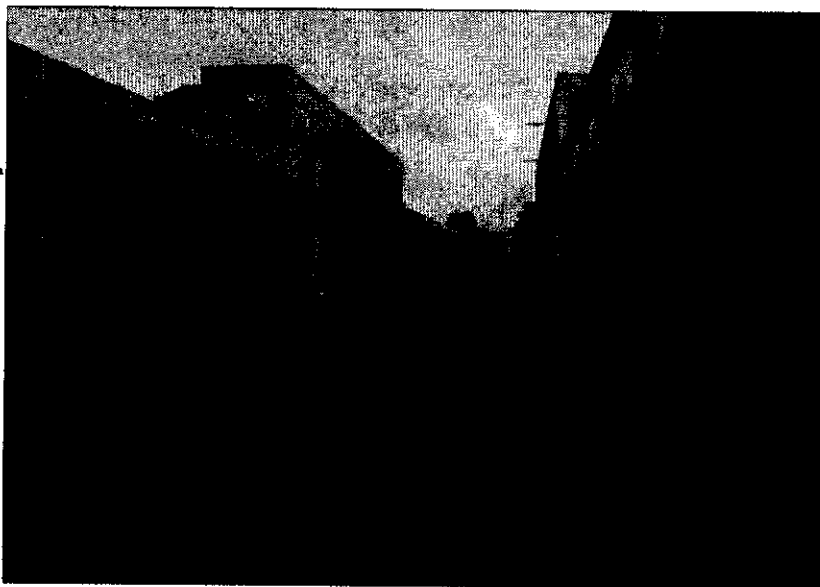
زن و مرد در کفه ترازو



◆ مریم نوربخش ماسوله

آن را به عهده مدعی یعنی شوهر محول کرده است. مساله مهم‌تر آن است که در تمامی موارد مجازات قتل و سنگسار نیست. از جمله ماده ۸۶ و تبصره ماده ۸۳ قانون مجازات زن دارای همسر را از رجم (سنگسار) به تازیانه تقلیل داده است. اگر در این موارد زن مرتکب این عمل خلاف شود و خطایی او در دادگاه اثبات گردد، مجازات او به طور قانونی تازیانه است. اما ماده ۶۳۰ در چنین حالتی اجازه کشتن زن را به همسر وی می‌دهد. این ماده یکی از مصادیق بارز خشونت به شمار می‌رود. نقایص و خلاهایی که در قانون نسبت به مجازات مرد در برابر دست یازیدن به عمل خشونت‌آمیز به زن (دختر، خواهر و یا همسر)، نیروستن ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان و حذف عدالت جنسیتی از برنامه چهارم توسعه توسط مجلس هفتم، همه حکایت از آن دارد که زنان جامعه ما تا رسیدن به حقوق حقه خود راه درازی را در پیش دارند.

آملی وکیل دادگستری سکوت قانون را در مورد خشونت‌های جنسی و روانی علیه زنان یکی از نواقص قانون برشمرده و می‌گوید: درباره خشونت علیه زن، قانون صرفاً به خشونت فیزیکی یا جسمی صراحت دارد. که در صورت وجود آثار ضرب و جرح، مجازات تعیین شده است. مساله دیگری که به نظر وی حایز اهمیت است آن که تعریف مشخصی از نظام خانواده در زمینه مناسبات زوجین و رابطه پدر و مادر با کودک به عمل نیامده و این مهم سبب شده که اعتراض خفته‌ای به خصوص از سوی زنان که در طبقه متوسط فرهنگی هستند به عمل آید.



باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند. حکم ضرب و جرح نیز در این مورد مانند قتل است. مسلماً زنای زن متاهل با مرد اجنبی خطایی بزرگ محسوب می‌شود اما جای تعجب است که قانون به جای آن که اجرای عدالت را به محاکم قضایی واگذارد،

آمار خشونت در جهان تکان دهنده بوده و روند رو به افزایشی را نشان می‌دهد. براساس آمار سازمان بهداشت جهانی در این زمینه، ۱۴/۵ درصد زنان کشورهای توسعه یافته و ۱۵/۵ درصد زنان در کشورهای در حال توسعه، مورد انواع تعرض و خشونت قرار می‌گیرند. یک تحقیق مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری در پنج استان محروم کشور یعنی بوشهر، گلستان، سیستان و بلوچستان، کردستان و منطقه اسلام شهر تهران مبین آن است که مساله خشونت در کشور ما نیز با توجه به دیدگاه‌های مرد سالارانه یا پدرسالارانه به وفور به چشم می‌خورد.

احمد آملی عضو کانون حمایت از حقوق زنان با ذکر این مطلب بر این نکته تاکید می‌ورزد که نتایج بدست آمده از این تحقیق، نشانگر آن است که از صد درصد زنان این استان‌ها در جامعه آماری، ۳۷/۵ درصد ضمن پذیرش مورد تعرض و خشونت واقع شدن، این نوع رفتار را در نظام خانواده عادی نمی‌دانند. اما ۶۲/۵ درصد دیگر خشونت را در نظام خانواده عادی تلقی می‌کنند و هنگامی که از ایشان پرسیده شد که در صورت بروز خشونت آیا از همسر خود جدا می‌شوید، پاسخ منفی داده‌اند.

وی می‌افزاید: در سال ۱۳۷۶ کمیته ملی امحاء خشونت در مرکز مشارکت زنان ریاست جمهوری تشکیل شد که یکی از کمیسیون‌های آن به بخش حقوقی خشونت اختصاص دارد. اما تاکنون وضعیت کارکردی این کمیسیون در تدوین قوانین و تقدیم به صورت لایحه منتشر نشده است.

اما خشونت، پا را از حوزه خانه و خانواده و جامعه فراتر نهاده و به قانون نیز راه یافته است. شیرین عبادی در این باره خاطر نشان می‌سازد: ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، مقرر داشته هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته

شیرین عبادی: برخی از
کشورها مبارزه علیه
خشونت را زودتر شروع
کرده و به موفقیت‌هایی نیز
ناائل آمدند

خانه‌های امن

اما چه باید کرد؟ در کشور ما زنان به هنگام مواجهه با بر خوردهای خشن که با ضرب و شتم که گاه بسیار شدید و حتی وحشیانه است چه می‌توانند بکنند؟ و به کجا پناه ببرند؟

شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۴ معتقد است برخی از کشورها مبارزه علیه خشونت را زودتر شروع کرده و به موفقیت‌هایی نیز نائل آمده‌اند. از جمله می‌توان به وجود خانه‌های امن در اغلب کشورهای اروپایی اشاره کرد. در این کشورها چنان چه زن مورد خشونت و تهدید خانگی قرار گیرد با مراجعه به این خانه‌ها، سرپناه و محلی امن برای زندگی خواهد داشت. قانون در بسیاری از کشورها با خشونت علیه زنان برخورد شدیدی دارد و حاضر به چشم‌پوشی نیست. به طور مثال اگر در سوئد پیری دخترش را به خاطر داشتن دوستی از جنس مخالف به قتل برساند یا کتک بزند با این پدر به شدت و حتی بیش از یک مجرم عادی رفتار خواهد شد. اما متأسفانه این عمل در برخی از کشورها مجاز بوده یا حداقل قبح اجتماعی ندارد.

زهرارزنی وکیل دادگستری نیز با اشاره به خلاهای قانونی در کشور ما نسبت به رفع خشونت از زنان و ایجاد راهکاری مانند وجود خانه‌های امن ابراز می‌دارد: در کشورهایی که این قانون اجرا می‌شود فرد خشونت دیده را فوراً و پس از اعلام تحت بررسی و پیگرد قرار می‌دهند. اگر ضرب و جرح باشد بسته به کشورهای مختلفه مجازات حبس را در پی دارد.

در کشور ما زن ناچار به ترک خانه خود است اما در سایر کشورها، مرد خانه را ترک می‌گوید. گاه نیز قربانی به خانه‌های امن پناه می‌برد و این خانه‌ها از زن حمایت می‌کنند و او می‌تواند همانند پانسیون به آسودگی در آنجا زندگی کند و یا مورد مشاوره‌های حقوقی و روانی قرار گیرد. زیرا اگر قربانی مکانی نداشته باشد خانواده وی نیز با رفتن او به خانه موافق نباشند به کجا باید برود؟

بنابراین خانه‌های امن بهترین محل برای زنان خشونت دیده است. یا قراری صادر می‌شود که مرد حق رفتن به خانه را نداشته باشد. البته لازم به ذکر است که هیچ زنی تمایل به جنایی و طلاق ندارد. بلکه وضعیتی به وجود می‌آید که فرد خاطی باید پاسخگو باشد و قوه قضاییه زن را مورد حمایت قرار دهد. گاه دیده شده که زن اظهار می‌دارد همسرش از نظر روانی دچار مشکل است و نمی‌خواهد شکایت کند. بلکه خواهان آن است که همسرش ملو شود. در کشورهای دیگر کلاس‌هایی وجود دارد که فرد به وسیله بازآموزی، یاد می‌گیرد چگونه با مشکلات برخورد نماید روانکوی و بررسی می‌شود. ولی متأسفانه در کشور ما هیچ‌گاه قضات نگفته‌اند که فرد خشن باید مورد ماینه قرار گیرد. حتی NGO هایی هم که زنان جهت مشاوره و صحبت به آنجا مراجعه کنند نیز وجود ندارد. سازمان‌های غیردولتی

فریبا داودی مهاجر روزنامه‌نگار: امروزه با وجود قوانین و قواعد بین‌المللی حقوق بشر، نتوانسته‌ایم برای بهبود شرایط زنان در جهان موثر واقع شویم. آمارها هم چهره‌گریه خشونت را به رخ می‌کشند

هم در حال حاضر نمی‌توانند جوابگو باشند. اگر مرد حق مسلم خود بپندد که زن را کتک بزند. هیچ قانونی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد.

البته با وجود گسترش خانه‌های امن در کشورهای اروپایی و مجازات‌هایی که در این کشورها نسبت به پدیده همسرآزاری و خشونت علیه زنان، در رسانه‌ها منعکس می‌شود، آمارها حاکی از آن است که بروز این گونه رفتارها در بر خورد با زنان، در آن کشورها هم رو به فزونی بوده و تاکنون هیچ راهکاری برای ریشه‌کنی آن ارایه نشده است.

فریبا داودی مهاجر روزنامه‌نگار متذکر می‌شود که این مسأله رخدای سابعنه و وحشتناک است. امروزه شاهد هستیم که با وجود قوانین و مقررات و قواعد بین‌المللی حقوق بشر، نتوانسته‌ایم برای بهبود شرایط زنان در جهان موثر واقع شویم و سازمان ملل هم قادر نیست درباره وضعیت زنان تغییرات اساسی و بنیادی ایجاد کند. آمارها هم چهره زشت و گریه خشونت را به نحوی بارز به رخ می‌کشند: از هر سه زن، در جهان یک نفر در معرض خشونت قرار دارد. از هر چهار زن یکی در خانه خود مورد خشونت قرار می‌گیرد.

کتک خوردن در خانه سرچشمه اصلی نقص عضو

در کشور ما زن ناچار به ترک خانه خود است اما در سایر کشورها مرد

و مرگ زنان به شمار می‌رود. سالانه پنج هزار زن قربانی قتل‌های ناموسی می‌شوند. هر سال چهار میلیون زن برای ازدواج‌های اجباری، فحشا و بردگی خرید و فروش می‌شوند. ۷۰۰ هزار از زنان فقیر جهان برای تن فروشی به اروپا برده می‌شوند و بین ۲۰ تا ۶۰ درصد از زنان بین سنین ۱۳ تا ۱۹ ساله آزار و اذیت جنسی شفاهی یا عملی را تجربه کرده‌اند. طبق گزارش بانک جهانی خشونت علیه زنان مانند سرطان موجب مرگ و میر و ناتوانی زنان شده است. به نظر می‌رسد با ایجاد خطوط تلفن بحران و همکاری نیروی انتظامی، گسترش مراکز مشاوره خانواده و آموزش حقوق به زنان خانه‌دار می‌تواند گام‌های موثری برای رفع خشونت برداشت.

یکی از راه حل‌ها جهت کاستن و یا رفع خشونت و تبعیض از زنان جامعه ما، پیوستن ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان بود که شورای نگهبان و بعضی از مراجع تقلید و علما با التحاق ایران به این کنوانسیون مخالفت کردند. که البته لازم به ذکر است که برخی از کشورهای اسلامی به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. اما در کشور ما به دلایل گفته شده با این مسأله مخالفت به عمل آمد.

فریبا داودی مهاجر اعتقاد دارد: تا زمانی که ما به زن به عنوان انسان برابر با مرد نگاه نکنیم و هویتی مساوی با او قائل نشویم نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که از او رفع خشونت یا تبعیض شود. متأسفانه توجه به مطالبات زنان یک امر ثانوی، یا حاشیه‌ای تلقی می‌شود. هم اکنون در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی، زنان از نابرابری رنج می‌برند و چه خشونت و رنجی بالاتر از نابرابری می‌تواند در یک جامعه علیه زنان اعمال شود. اما ناگوارترین اتفاق، سکوت سیاستمداران و مسوولان اجرایی و قضایی و قانون‌گذار در برابر انواع خشونت است.

این روزنامه‌نگار پیوستن به کنوانسیون را شرط لازم جهت بهبود وضع زنان و به تبع آن پیوستن به پروتکل اختیاری را الزامی می‌نامد، اما آن را شرط کافی نمی‌داند و تصریح می‌کند: ما باید در داخل به دنبال راهبردهای عملی‌تر باشیم.

زنان در هر جامعه‌ای وضعیت خاص و مربوط به خود را دارند و نمی‌توان نسخه‌ای یکسان برای همه جوامع تجویز کرد. سازمان‌های بین‌المللی هم باید به این تفاوت‌ها توجه کنند. البته به نظر می‌رسد فعالان

حقوق بشر به این نتیجه رسیدند که قوانین و قواعد به شکلی طرح ریزی شود که با مولزین فرهنگی کشورها تطبیق داشته باشد و بهترین راه برای این مهم، تأسیس و کمک به شکل گیری نهادهای مستقل و سازمان‌هایی است که در داخل کشورها فعالیت می‌کنند. البته خشونت‌هایی از قبیل قاچاق و فروش و تجارت زنان و استفاده از زنان در روسپی‌گری به تجارتی تبدیل شده که برنامه‌های خاص خود را می‌طلبد.

در قانون اساسی مدنی آمده است: "در ایجاد بنیادهای اجتماعی و اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که در رژیم گذشته متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

و ... در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان هم می‌خوانیم: "... با توجه به منشور سازمان ملل مبنی بر اعتقاد راسخ به اصول پایه‌های حقوق بشر که اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده است و اعلام داشته که تمامی افراد بشر آزاد و برابر به دنیا می‌آیند و همه از کلیه حقوق و آزادی‌هایی که در آن بیان شده است بدون هیچ گونه تمایزی از جمله تمایز جنسیتی برخوردارند. با توجه به این دولت‌های عضو میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، متعهد شده‌اند که حقوق برابر مردان و زنان را در بهره‌مندی از کلیه امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مدنی و سیاسی تضمین نمایند و با در نظر گرفتن میثاق‌های بین‌المللی تحت نظر سازمان ملل و نمایندگی تخصصی جهت ترویج و پیشرفت برابری حقوق مردان با زنان این کنوانسیون تصویب شده است."

روزنامه حریت چاپ ترکیه می‌نویسد: ضرب و شتم زنان در این کشور به عنوان یک مسأله خانوادگی جا افتاده و نواقص جدی در خصوص آزادی زن وجود دارد.

داودی مهاجر همچنین در ادامه یادآور می‌شود: دیپلماتی زوئل تحلیل‌گر امریکایی معتقد است: زنان در آمریکا نیز در نابرابری به سر می‌برند. آنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به واسطه نهادها و قوانینی که

مستقیماً زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار داده با محدودیت اساسی مواجه هستند و برابری اصلاً شده به این فشر برایشان می‌نویسند: مستی مردم سالارانه است. وی اضافه می‌کند: مرزهای بالای رتبه‌های گذشته رفع تبعیض علیه زنان می‌گوید: زنان از حقوق اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر محرومند و شاهد تعرض بی‌رحمانه حقوق خود هستند. قتل‌های ناموسی در پاکستان، بنگلادش، حتی پاکستان هند می‌کند.

با مراجعه به پزشکی قانونی، دادگاه‌های خانواده و بیمارستان‌ها می‌توان دریافت که عمق جامعه در ایران تا چه میزان است. دکتر رشید چتری رئیس بخش معاینه زنان پزشکی قانونی، همسر زاری را وضعیت مزمن داشته و آن را دایمی می‌خواند. وی اظهار می‌دارد: بر اساس مطالبات انجام شده شرایط فرهنگی و خانوادگی تأثیرگذار است. به گونه‌ای که پسری که در خانواده شاهد آزردن مادر خود توسط پدر بوده، در جوانی خود به این عمل دست می‌یازد. وی همچنین کاهش انسجام خانواده صیانت و احترام به آن را از تهدیدهایی ذکر می‌کند که با وجود خشونت دایمی در خانه بروز و ظهور می‌کند. افت تحصیلی، مشکلات تربیتی، صنمات جسمی و روحی، خودکشی و مشکلات عصبی را نیز از دیگر مضامینی می‌نامد که در پی خشونت متجلی می‌شود. زیرا خانواده هسته اصلی جامعه بوده و هنگامی که خانواده‌هایی پاتولوژیکی باشند تاثرات منفی بر اطرافیان می‌گذارند.

این متخصص زنان انواع خشونت را این گونه بر می‌شمرد: سوزاندن، لگد زدن، کتک زدن، سبیلی زدن و ... که نتیجه‌اش هم به شکل‌های گوناگون مانند بریدگی، کبودی، سوختگی، شکستگی استخوان، دنده‌ها و خونریزی است و به ندرت موجب مرگ می‌شود.

از وی پرسیده می‌شود آیا با وجود خشونت‌های مختلف و مراجعه زنان به پزشکی قانونی جهت معاینه و یا حتی گاه شکایت علیه همسر، زن حاضر به جنایی و طلاق است؟

دکتر چغری در پاسخ بیان می‌کند: اکثریت زنان حاضر به جدایی نیستند و فقط خواهان آنند که با نشان دادن ضایعات خود، حمایت‌های قانونی را بدست آورند ولی آنها تمایلی به طلاق ندارند. لذا می‌توان با

جلوگیری از جدایی از عوارض فرهنگی آن نیز پیشگیری کرد.

در همین رابطه فریده غیبت وکیل دادگستری مسأله خشونت علیه زنان را این گونه ارزیابی می‌کند: برخی از خشونت‌ها مانند بدرفتاری عاطفی نسبت به زن، ابراز تنفر و تحقیر در جمع، سوء ظن و بدگمانی در امر مصیبت بی‌دلیل قومی و خانوادگی و یا مذهبی، بهره‌جویی از وضع ظاهری زن، چاقی، لاغری، زشتی و زیبایی انواع دیگر سوء رفتارها نسبت به زن است. خشونت پلیس از اعتیاد از دواج مجدد مرد و یا خشونت که در فرزندان در اثر رفتار ناشایست و خشن پدر به وجود می‌آید خشونت‌های روانی و عاطفی معمولاً خشونت‌های پنهانی هستند که تحقیق درباره آنها بسیار مشکل است. با تامل باید ابراز داشت که به علت حمایت‌های غیر منطقی که جامعه نسبت به مردان دارد آنها به غلط می‌پندارند که صاحب و مالک زن هستند.

بر مبنای همین تفکر به حریم او تجاوز و او را مورد شکنجه قرار می‌دهند. اعتیاد بحران‌های اقتصادی، بیکاری و نابسامانی‌های اجتماعی در محیط خانواده که همراه با ابراز خشونت به زن و فرزندان خواهد بود اثر تخریب‌زایی بر روی تربیت اطفال دارد. در مورد زنانی که وارد اجتماع شده و تا حدودی با حقوق و تکلیف خود آشنایی دارند نوع خشونت همراه با سوء ظن، بدگمانی، بدرفتاری عاطفی و ابراز تنفر از جانب شوهر، نمود فرولانی دارد.

همان گونه که اشاره شد در کشور ما مسأله خانه‌های امن به عنوان پناهگاهی مطمئن برای زنان قربانی هیچ‌گاه فرصت بروز نداشته و نمود عینی پیدا نکرده است. اگرچه ممکن است این خانه‌ها بتوانند کارکرد مثبت و قابل قبولی را ارایه دهند. فریده غیبت وجود خانه‌های امن را مامن و پناهی برای زنان می‌داند که در صورت نداشتن شغل، خانه و یا خانواده می‌توانند به آن محل به مانند خانه خود مراجعه کنند. زیرا بی‌پناهی این زنان و حمایت از آنان، برخی از کشورها را بر آن داشته که با ایجاد امکاناتی چون این خانه‌ها و یا پانسیون‌های مخصوص نسبت به حفظ و نگهداری آنان اقدام کنند و این زنان را تحت حمایت خود قرار دهند.

